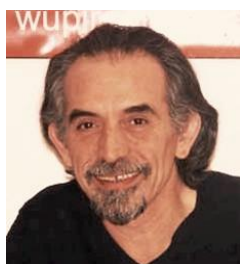




بیانیه "هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده" آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی!

صفحه ۲

آذر ماجدی



زنان در ایران چه میخواهند؟ دو جنبش، دو توقع، دو روش

صفحه ۴

سیاوش دانشپور

اراجیف ضد زن اسلامی

اعتراض وسیع زنان در ترکیه

صفحه ۶

آذر ماجدی



تونس:

تقابل با اسلام سیاسی تشدید میشود!

صفحه ۸

سیاوش دانشپور

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



بیانیه "هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده"

آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی!

آذر ماجدی

"این حرکت را آغاز کرده ایم تا حساسیت جامعه ی زنان ایران به معیارهای گزینش وزرا از سوی رئیس جمهوری را منعکس کنیم، زیرا ... با انتخاب وزرای دولت آینده به نوعی میزان تحقق پذیری وعده های انتخاباتی خود در مورد مطالبات زنان را نشان خواهد داد."

توجه کنید! این کنشگران می خواهند به مردم بقبولانند که از طریق انتخاب "مدیران کلان" می توان خصلت ذاتی رژیم را تغییر داد. گویی تاکنون فقط مدیران کلان مشکل زا بوده اند، وگرنه خمینی، رفسنجانی، خامنه ای، خاتمی، موسوی، کروبی، لاجوردی، گنجی، سازگارا خود روحانی و قس علیها از مدافعین برابری زن و مرد هستند. یعنی رئیس روسا و کار بدستان اصلی رژیم اسلامی خواهان رفع تبعیض و خشونت از زنان هستند و این مدیران کلان هستند که مانع برابری زن و مردند. اصلا سنگسار و صیغه، تعدد زوجات، آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی همه و همه زیر سر "مدیران کلان" است! جل الخالق! به این همه دغل بازی و مردم را نفهم فرض کردن چه باید گفت؟ تازه جالب است می فرمایند که این حرکت را برای این آغاز کرده اند تا "حساسیت جامعه ی زنان ایران" را منعکس کنند. و این "حساسیت" درست در شرایطی دارد منعکس می شود که زنان دارند امور را بدست خود می گیرند و طی یک هفته دو مورد از نشانند سر جای زنان مامور امر به معروف بدست زنان جوان، انتشار گسترده یافته است.

ضمنا اینها، هم در این بیانیه و هم در گزارش یکی از نشست هایشان که فائزه رفسنجانی هم در آن شرکت داشت، به وعده های روحانی در مورد حقوق زنان اشاره دارند. ما که در اینمورد از این امامزاده معجزه ای ندیدیم. از این کنشگران عزیز باید درخواست کرد که یکبار وعده های این آخوند همواره یار امام را برای اطلاع فعالین آزادی زن و مردم منتشر کنند.

این بیانیه از روحانی می خواهد که "معیارهای برابری طلبانه ی جنسیتی در درون معیارهای عینی شایسته سالاری لحاظ شود." معنای این بند مُلغَز چیست؟ در بند ۱ بیانیه متوجه می شویم. این بند یک شاهکار بزرگ شامورتی بازی است: "ما افرادی را شایسته ی حضور در کابینه می دانیم که نه تنها سابقه ی گفتار، رفتار و عملکرد زن ستیزانه در کارنامه ی خود نداشته باشند و زنان را شهروند درجه دوم تلقی نکنند، بلکه برابری حقوقی زن و مرد را به رسمیت بشناسند...". و در بند ۲ ادامه می دهند: افرادی که به "رفع

صفحه ۳

گزارش شده است که ۳۵۰ تن از کنشگران ملی - اسلامی جنبش حقوق زن یک بیانیه تنظیم و منتشر کرده اند که حاوی ۷ خواست است؛ این بیانیه خطاب به روحانی نوشته شده است. در شماره های پیش آزادی زن به تقلاهای این دسته از کنشگران برخورد کردیم؛ تلاش های پیش و بعد از مضحکه انتخاباتی بقول خودشان "برای طرح مطالبات زنان." را افشاء نمودیم. این بیانیه ظاهرا پس از جلسات متعدد و شور و مشورت تهیه شده است. اسامی طرفداران رژیم اسلامی در داخل و خارج کشور، تمام کسانی که بطرق مختلف برای بقای این نظام زن ستیز تلاش کرده اند، در میان امضاء کنندگان است. نگاهی به این مطالبات که ظاهرا بعنوان مطالبات زنان ایران فرموله شده است، انسان را بهت زده می سازد. در نگاه سطحی و اول انسان هاج و واج می ماند که این افراد در کدام کره زندگی می کنند، آیا رژیم اسلامی را نمی شناسند؟ آیا تاریخ سی و چند سال گذشته را نمی دانند؟ آیا روحانی برایشان ناآشنا است؟ آیا در دوران دو خرداد چنین کارهایی را آزمایش نکردند و سرشان به سنگ نخورد؟ از آنجا که پاسخ تمام این سوالات مثبت است، باید نیت شان را از این تقلا بررسی کرد.

این جماعت هم و غم شان دفاع از رژیم اسلامی است. از یک خانواده اند. امر اینها برابری زن و مرد نیست. آخر کیست که نداند این رژیم تا مغز استخوان زن ستیز است. نه تنها ایدئولوژی، یعنی اسلام، یک ایدئولوژی ضد زن است، بلکه همچنین پیشروی این جنبش از نظر سیاسی با بیروق حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی انجام گرفته است و در هر گوشه ای که در قدرت سهیم شده این دو رکن را بر جامعه تحمیل کرده است. با این حساب درخواستنامه به درگاه این رژیم چه نقشی می تواند داشته باشد، جزء تلاش برای توهم پراکنی و ایجاد یک کورسو که هنوز می توان به اصلاحات در این رژیم امید بست؟! اگر در سال ۱۳۷۶ می شد چنین تقلاهایی را نتیجه توهم این گرایش دانست، اکنون بر همگان روشن است که چنین حرکتی نه نتیجه توهم، بلکه بخاطر ایجاد توهم انجام می گیرد.

جا دارد به بخش هایی از این بیانیه نگاهی بیاندازیم:

"ما، جمعی از زنان فعال ایران که در طول انتخابات تلاش کردیم تا با طرح مطالبات زنان در فضای انتخابات، منعکس کننده ی بخشی از مطالبات زنان، از جمله ... رفع هرگونه تبعیض و خشونت علیه زنان باشیم، امروز بر آن شده ایم که به منظور پیگیری مطالبات زنان، حرکتی را برای افزایش نظارت مردمی بر انتخاب مدیران کلان کشور آغاز کنیم."

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

طلب و مدافع حقوق زن و خواهان رفع تبعیض و خشونت از زنان بدهند. یکی از محصولات جانبی این بیانیه فراخوان پوشیده به مردم و زنان آزادیخواه به سکوت و صبر است. دارند می گویند: "گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم!" دروغ های این بیانیه آنچنان بزرگ است که اگر مردم یک در صد آنرا نیز باور کنند یک کلاه بزرگ سرشان رفته است.

این جریان را باید وسیعاً افشاء کرد. اینها مدافع آزادی و برابری زنان نیستند؛ اینها آزادیخواه و برابری طلب نیستند؛ اینها طرفدار رژیم اسلامی اند و تمام هم و غمشان حفظ این نظام است. حالا یا نانشان از طریق این رژیم تامین می شود یا دنبال صواب و بفرآخت هستند، ما وارد این مقولات نمی شویم. اما باید گفت که این تیری در تاریکی است که به قلب خودشان فرود خواهد آمد. مردم ذره ای توهم به این رژیم ندارند. مردم می خواهند سر به تن این حکومت نباشد. مردم در حال دفع این نظام جنایتکار و ضد زن هستند. مردم از هر فرصتی برای به زیر کشیدن این رژیم استفاده می کنند. جنبش آزادی زن چهره دروغین و ارتجاعی کنشگران ملی - اسلامی مدافع رژیم اسلامی را افشاء و برملا خواهد کرد.*

سازمانیافته، در سرکوب وحشیانه کردستان، همیشه و همواره یکی از کار بدستان بالای نظام بوده است. آدم نمی داند که به این حرکت بخندد یا گریه سر دهد. آیا اینها دچار روانپریشی شده اند، یا مردم را دیوانه و بی عقل فرض کرده اند؟ باید گفت اگر روحانی می خواست و می توانست چنین افرادی را به مدیریت کلان بنشانند، ابتدا برای خود فکری می کرد.

فایده این بیانیه را در بالا ذکر کردیم. قرار است در جامعه توهم پراکنی کنند؛ این تصور را ایجاد کنند که رژیم اسلامی اصلاح پذیر است و آنهم نه اصلاحات کوچک و جزئی، بلکه قادر است از زنان رفع تبعیض و رفع خشونت کند. بعلاوه، با چنین بیانیه ای و طرح چنین خواستهایی قرار است از روحانی تصویر یک امامزاده برابری

تبعیضهای جنسیتی التزام داشته باشند و متعهد شوند که در برنامه های خود به از میان برداشتن هر گونه تبعیض علیه زنان پایبند باشند".

این بیانیه به یک فکاهی نامه یا طنز شباهت بیشتری دارد تا یک بیانیه سیاسی. فقط یک لحظه فکر کنید اینها از روحانی می خواهند که "مدیران کلان" را از میان برابری طلبان، کسانی که به برابری زن و مرد و رفع خشونت از زنان و همچنین رفع موانع فعالیت های اجتماعی و مدنی و کاهش فقر و غیره متعهد باشند، انتخاب کند. چنین خواستی را از کسی طلب می کنند که از روز نخست در کنار خمینی و از کار بدستان رژیم بوده است، از کسی که در طول جنایات وحشیانه و گورهای دستجمعی دهه ۶۰ در راس امور بوده، در سرکوب خشن، در سنگسارها، اعدام ها فقر و گرسنگی به مردم تحمیل کردن در زمان تجاوز و شکنجه

بیانیه "هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده" آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی ...

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

اسلام ضد زن است!



سیاوش دانشپور

زنان در ایران چه می‌خواهند؟

دو جنبش، دو توقع، دو روش

سیاست‌های این جنبش و مشخصاً اینجا زنان اسلامی را، در بستر فضائی که بدنبال از صندوق درآوردن روحانی ایجاد شده باید دید. در این چهارچوب، هر گروهی، چه زنان و چه هنرمند و چه کارگر و روزنامه نگار، اگرچه از دریچه "مطالبات معوق مانده" خود وارد میشود، اما هدف عمومی اینست که بگویند همه اقشار "قانونگرا" شدند، به طرف حکومت اسلامی سجده میکنند، و مطالبات شان را در چهارچوب قانون و حکومت اسلامی پیگیری میکنند. برخی هم برای این نمایش تملق اسلامی تئوری سرهم میکنند و به سهم خودشان با موج همراه میشوند.

جنبش نخواستن، جنبش آزادی زن
جنبش آزادی زن دقیقاً با اهداف و سیاستها و روشهای این جنبش ارتجاعی و اسلام زده مخالف است. این کارناوال تملق اسلامی، نه فقط منعکس کننده توقعات اکثریت عظیم زنان در ایران نیست بلکه با واقعیت جاری و قابل دیدن جامعه ایران تماماً متفاوت است. آنچه در خانه ها و خیابانها و هر گوشه و برزن در ایران جاری است، تماماً در تقابل با این نمایشنامه اسلامی - فمینیستی است. واقعیت زندگی مردم در ایران اتفاقاً نشان میدهد که این تحركات اسلامی دقیقاً از کجا ریشه میگیرد. هر روز در خیابانهای ایران کشمکش و درگیری شدید برسر حجاب و سر و وضع و آرایش و تقابل با دخالت بیجای نیروهای اسلامی بیوقفه در جریان است. بطور مرتب و در آرایشها و تاکتیک های مختلف، پلیس و نیروی انتظامی و گروههای نهی از منکر و خلاصه همه دار و دسته های ارتش ضد زن بسیج میشوند. تهاجم

اینروزها خانمهای حکومتی و حاشیه حکومت که بنوعی با طایفه های اسلامی از "دگر اندیش" و "اصلاح طلب" و "اعتدالگرا" و "علمای عظام" نشست و برخاست دارند، با صدور بیانییه ها و تومارهایی از جانب "زنان در ایران" سخن میگویند! گفتن این نکته بدیهی که این خانمهای حکومتی و هوادارانشان در حاشیه حکومت، تنها نماینده خودشان هستند و هیچ ربطی به اکثریت عظیم زنان آزادیخواه و برابری طلب در جامعه ایران ندارند، شاید اضافی و تکراری باشد.

اما به هر حال، باز یک آخوند مرتجع ظهور کرده که او را "شیخ امید" نامیدند و امیدهای معطل مانده خانمهای دیروز خواهر زینب و امروز اشراف حکومتی و همینطور خانمهای ملی اسلامی شوق زده و آخوند زده حاشیه حکومت را بارور کرده است. نکته اما اینست که اگرچه این جماعت بسیار محدود اند اما به لطف رسانه ها در داخل و خارج صدایشان بیشتر به گوش مردم تحمیل میشود. سیاست رسانه ها اتفاقاً با سیاست همین خانمها مشترک است: یک جبهه واحد تلاش دارد تقابل زنان با حکومت اسلامی را به عرض حال نوشتن و مشاوره دادن و خودشیروینی برای سران جمهوری اسلامی، تحت عنوان "جنبش مطالباتی زنان ایران" محدود و در بوق کند. هدف اساسی اینست که جنبش واقعی برای آزادی زن را در سایه و حاشیه ببرند. هدف اینست که تقابل زنان با جمهوری اسلامی را در چهارچوبهای اسلامی و حکومتی قالب بزنند و مهار کنند.

سیاست "جنبش مطالباتی" و عریضه نویسی برای آخوندهای حکومتی و ادبیات و روشهای مهوع و تملق اسلامی، با اهداف جنبش ملی اسلامی تطابق دارد. اهداف ارتجاعی به روشهای ارتجاعی و ادبیات ارتجاعی و خواستهای ارتجاعی متکی است.

خیابانی و مزاحمت و دستگیری و توهین را شروع میکنند. به هر روشی دست میزنند تا بلکه ظاهر شهر کمی اسلامی شود و به دل ریش شده دایناسور آیت الله ها کمی مرهم بزنند. اما نتیجه ای ندارد.

ظاهراً تشدید سرکوب زنان کارساز نبوده است. چون با وجود گسترش عملیاتیهای ضد زن، پاسخ زنان و مردم منجر از اسلام و آخوند هر روز جدی تر و قاطع تر میشود. دیگر صحنه تقابل زنان و اوباش اسلامی در خیابانها مثلاً با بحث و جدل جمعی و فراری دادن زن دستگیر شده تمام نمیشود. روزی نیست که این خانمهای مامور نهی از منکر توسط زنان آزادیخواه گوشمالی داده نشوند و "فراری" داده نشوند! طرف با لحنی حق بجانب و از موضع قدرت میگوید: حجابت را درست کن! پاسخ میشوند: خفه شو، به تو ربطی ندارد، گورتو گم کن! اگر سماجت بخرج دهد، حجاب طرف را هم از سرش میکشد و یا گوشمالی اش میدهد! مردم هم حمایت میکنند، چنین واکنشی را طبیعی میدانند و کمک هم میکنند! و این اخبار دهن به دهن میچرخد و تند تند صحنه های بیشتری تکرار میشود. فرمانده ناجا زیر این فشارها و تقابل شدید زنان با زن ستیزی حکومت اسلامی، پس مینشیند و مرحله سوم عملیات ضد زن را متوقف میکند. دیدند "هوا پس است"، موقتا عقب نشستند و به فاز مظلوم نمائی خزیدند.

در روزنامه ها گزینشی گزارش و مقاله و خیر منتشر میکنند که خبر از آغاز یک جنگ تمام عیار میدهد. دیگر ترس از این نیست که دستگیر

صفحه ۵

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!

میسوزاند و منافع رژیم اسلامی منطبق است. این دو جنبش روشها و سیاستها و افق و آرمان اجتماعی تماما متفاوت و متضادی دارند. قابل جمع نیستند و پیروزی یکی در گرو از میدان بدر کردن دیگری است.

تحركات ضد زن اسلامیهای طرفدار حکومت به حکم تناقضات جمهوری اسلامی و اینجا ضدیت اسلام با موجودیت و حقوق پایه ای زنان، دوام زیادی ندارد و بسرعت به حاشیه میرود. اما این شکست سیاسی حکومتها باید در قلمرو جامعه و در مقابل چشم جهانیان صورت گیرد. این شکست باید مستقیما به پیروزی جنبش آزادی زن ترجمه شود. جنبش آزادی زن فی الحال تعرض علیه اسلاميون ضد زن را با انرژی بالایی آغاز کرده است. اولین نتیجه گسترش این اعتراضات، جمع شدن بساط تملق اسلامی طیف خانمهای اسلام زده و آخوند زده خواهد بود.*

زنان در ایران چه میخواهند؟

دو جنبش، دو توقع، دو روش ...

شده و تصویر و قامت واقعی اش زیر چادر سیاه اختناق اسلامی بوضوح دیده نمیشود. در کنار این نخواستن عظیم که به زنان هم محدود نمیشود، یک جریان اسلامی حکومتی و موثلفین سیاسی غیر حکومتی شان وجود دارد که هر روز این لولوی خیابانی را نشان رژیم میدهند تا نرخ شان را در بازار بورس اسلامی بالا ببرند. این جنبشی هم جنس و هم سوی حکومت علیه زنان است که دل برای اسلام و حاکمیت آخوند و قانون اساسی حکومت اسلامی

شوی و جریمه بدی و غیره. مستقیما میگویند: "هر طور که دلم میخواهد لباس میپوشم، به تو ربطی ندارد، اینطور میپوشم تا چشم آفتون درآد!"

و اینها مثنی از خروارند. اینها گوشه ای از چهره یک جامعه غیر اسلامی است که در هر گوشه زندگی خصوصی مردم جاری است. غیر اسلامی بودن جامعه ایران و قبول نکردن قوانین اسلامی و آپارتاید جنسی توسط جامعه ایران، پدیده جدیدی نیست. ما همواره بر این واقعیت، در مقابل کسانی که یک تصویر اسلامی و سنتی و عقب مانده از جامعه ایران و زنان میدهند، تاکید کرده ایم. آنچه جدید است اینست که دیگر مردم حوصله جر و بحث با اوباش ضد زن را ندارند و در ذهن و عملشان دارند آنها را کنار میگذارند. چهره دو شخصیتی یا دبل کاراکتر معروف مردم در زندگی خصوصی و در بیرون و در جامعه، دارد یواش یواش به هم منطبق و به یک شخصیت واحد تبدیل میشود. این اخبار و درگیریهای زنان در خیابانها در دو سه هفته گذشته، اگر چیزی را نشان میدهد اینست که مردم دیگر جانشان به لب شان رسیده و بویژه در این گرمای تابستان حوصله شنیدن ترهات خواهر زینب ها را ندارند. وضعیتی انفجاری که رژیمها باید "با احتیاط" با آن برخورد کنند و در آستانه تحلیف آخوند روحانی سود و زیان عملیات های ضد زن را در نظر بگیرند. لذا فرمانده نیروی انتظامی عقب می نشیند، مرحله سوم عملیات ضد زن متوقف میشود، و تبلیغات ضد زن و جنگ نرم جلومی آید تا برای دور بعدی خودشان را آماده کنند.

در ایران یک جنبش واقعی و توده ای قدرتمند وجود دارد که وضعیت کنونی و جمهوری اسلامی و سلطه سیاه زن ستیزی و آپارتاید جنسی نمیکواید. این جنبش آزادی زن است که همواره و هر روزه سرکوب

نشریه انگلیسی زبان آزادی زن

شماره ۴۵

به سردبیری مریم کوشا منتشر شد!



نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

ضد حکومت، ضد قوانین اسلامی که دولت طی ده سال اخیر بتدریج بتصویب رسانده و همچنین علیه محو مظاهر سکولاریسم در ترکیه بدل شده است. جنبش اعتراضی در ترکیه علیه حکومت اسلامی حزب عدالت و توسعه یک تعرض مهم و توده ای علیه جنبش اسلام سیاسی است. این خیزش بویژه در شرایطی که دولتهای غربی، بسرکردگی آمریکا، می کوشیدند مدل حکومت اسلامی ترکیه را تحت عنوان "اسلام معتدل" بعنوان آلترناتیو در منطقه پیاده کنند، از اهمیت بسیار برخوردار است. مردم در ترکیه از ابتکارات بسیار جالبی در اعتراض به دولت و مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه یا تحمیق کننده آن استفاده کرده اند. اعتراض زنان حامله و همبستگی مردان با آنها یک واقعه مهم علیه اسلام و جنبش اسلام سیاسی است. جنبش آزادی زن یک دشمن قاطع و خستگی ناپذیر اسلام و جنبش اسلام سیاسی است که اکنون در کل منطقه بمیدان آمده است. باید این جنبش را با تمام قوا تقویت نمود. باید اسلام سیاسی را کاملاً به زمین زد و برای همیشه به حاشیه جامعه راند. *



اراجیف ضد زن اسلامی

اعتراض وسیع زنان در ترکیه

آذر ماجدی

وزارت دادگستری طی هفت سال، ۲۰۰۲-۲۰۰۹ نرخ قتل زنان افزایشی ۱۴۰۰ درصدی داشته است. در سال ۲۰۰۲ تعداد ۶۶ زن بقتل رسیدند، در حالیکه در هفت ماه اول سال ۲۰۰۹ ۹۵۳ زن بقتل رسیده اند. سازمانهای مدافع حقوق زن و نیروهای سکولار و چپ افزایش خشونت علیه زنان و قتل زنان عمدتاً توسط همسرانشان را نتیجه حکومت اسلامی ها در ترکیه می دانند.

خیزش توده ای علیه حکومت اسلامی اردوغان که چند هفته پیش با اعتراض علیه قطع درختان در میدان تقسیم استانبول آغاز شد، به یک اعتراض

یک وکیل اسلامی و فیلسوف صوفی بنام "عمر تورگل ایناچر" در برنامه افطار در تلویزیون دولتی ترکیه اراجیفی علیه زنان حامله به زبان آورد که موجب یک اعتراض وسیع در این کشور شد. این جاهل عقب افتاده اسلامی گفت: "اعلام حاملگی با طبل و دهل مغایر تمدن ماست. زنان حامله نباید با آن شکم ها در امکان عمومی ظاهر شوند. در ماه هفت و هشت حاملگی، مادران آتی باید فقط شبها همراه شوهرانشان با ماشین به هوا خوری بروند، اما ما این زنان حامله را در تلویزیون می بینیم. این شرم آور است. این واقع گرایی نیست، غیراخلاقی است." بلافاصله پس از این سخنان، مردم اعتراض خود را در فیس بوک و تویتر اعلام کردند و روز پنجشنبه ۲۵ ژوئیه دو تظاهرات در شهر استانبول، یکی در میدان تقسیم و همچنین در شهر کاناک کاله در شمال غربی ترکیه سازمان یافت. در این تظاهرات زنان حامله وسیعاً شرکت داشتند و همسرانشان در همبستگی با آنها بالشی زیر پیراهنشان قرار داده بودند.

حملات دولت اسلامی حزب عدالت و توسعه به حقوق و موقعیت زنان در این تظاهرات و در خیزش اخیر توده ای در ترکیه مورد اعتراض قرار گرفته است. طبق اطلاعیه

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۳۰، ۱۸ بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

کانال: KM TV

به دوستانتان اطلاع دهید!

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

لینک برنامه این هفته تلویزیون مدوسا

این برنامه مدوسا تی وی حاوی مصاحبه آذر ماجدی با مریم کوشا درباره موقعیت اسلام سیاسی و جنبش آزادی زن ، صحبتی درباره جنبش اعتراضی علیه راسیسم در آمریکا و تفاوت این اعتراضات با اعتراضات دو دهه اخیر و بحثی درباره اعدام است.

مدوسا تی وی روزهای جمعه به ساعت ۲ بوقت اروپای مرکزی از کانال KMTV پخش می شود. لطفا از نظرات خود ما را مطلع سازید

<http://www.youtube.com/watch?v=XyUbpcpHDlg>

تلویزیون مدوسا برنامه ای از آذر ماجدی

روزهای جمعه ها از ساعت ۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

به دوستانتان اطلاع دهید!

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!



محمد البراهمی

همچنین به مسئله تقابل سکولاریسم و برابری طلبی با ارتجاع اسلامی النهضه دامن میزند و آنرا تشدید میکند. اتحادیه های کارگری تونس روز جمعه وارد اعتصاب عمومی در اعتراض به ترور محمد البراهمی شدند.

عنصر "حفظ آرامش و امنیت" را برعهده بگیرد و مانع درگیریهای خیابانی شود. در جامعه و میان مردمی که حکومت اسلامی نمیخواهند، بویژه بعد تحولات در مصر، بدنبال عقب راندن اسلامپاها به کنج حجره ها و مساجد هستند.

ترور سیاسی البراهمی جرقه ای بود تا تونس راه مصر را برود. سرنگونی حکومت اسلامی النهضه فشرده این خواست است. با ترور در تونس، ترور در لیبی، ترور در مصر، ترور در کشورهای خاورمیانه، بیش از پیش

تونس:

تقابل با اسلام سیاسی تشدید میشود!

سیاوش دانشور

ترور محمد البراهمی از چهره های غیر مذهبی و لائیک، جامعه تونس را بیش از پیش قطبی کرد. تقابل کارگران و مردم آزادیخواه تونس، زنان، انقلابیون و سکولارها با جریان اسلامی حاکم تشدید شد. این کشمکش قبلتر برسر خواسته های پایه ای مردم و بعدتر برسر قوانین اسلامی جدید وجود داشت. جامعه تونس از رویدادهای مصر و سرنگونی اخوان المسلمین فوراً تأثیر پذیرفت و اعتراضات علیه النهضه دوقلوی سیاسی اخوان المسلمین آغاز شد. اما با ترور محمد البراهمی این اعتراضات به اوج رسید. پس از شکرى بالعید، محمد البراهمی دومین شخصیت سکولار جامعه تونس است که مورد هدف گلوله تروریستهای اسلامی قرار میگیرد. خیابانهای تونس صحنه تظاهراتی وسیع توده ای است و دیروز شنبه تشیع جنازه البراهمی با یک تظاهرات گسترده ضد حکومتی همراه شد. همه جا و از هر سو انگشت اتهام بسوی حزب اسلامی حاکم النهضه نشانه میروند و خواست سرنگونی حکومت اسلامی با صدای بلند در خیابانها اعلام شده است.

این ترور سیاسی در جامعه تونس و در سطح حکومتی عواقب پیچیده ای ببار آورده است. النهضه از خود سلب مسئولیت میکند و در عین حال از وحشت سرنگونی هوادارانش را برای تقابل با مخالفین، درست مانند اخوان المسلمین در مصر، به خیابانها آورده است. این قتل آرایش تاکتونی درون حکومتی را بهم ریخت و به تقابل نیروهای درون حکومتی دامن زد. تنها در یک مورد در اعتراض به قتل و ترور محمد البراهمی، که خود از اعضای مجلس ملی تدوین قانون اساسی تونس بود، ۵۲ نفر از نمایندگان مجلس ملی تدوین قانون اساسی تونس از سمت خود استعفا دادند و خواستار انحلال این نهاد شدند. ارتش تلاش میکند نقش



دختر محمد البراهمی در اعتراضات تونس به ترور پدرش

وقت آنست جنبش سوسیالیستی و کارگری در تونس، جنبش آزادی زن و اردوی آزادیخواهان و برابری طلبان برای پایان دادن به حکومت اسلامی تونس بمیدان بیابند و کار را تمام کنند. دوران سرنگونی حکومتهای اسلامی آغاز شده است.*

28-07-2013

روشن میشود که جنبش اسلامی به موضع دفاعی افتاده و به رکن اساسی اش یعنی تروریسم رو آورده است. ترور در تونس از نظر سیاسی قرار بود جلوی تکرار مصر را بگیرد اما ظاهراً نتیجه عکس داده است.

ترور دو شخصیت سکولار چپ در فاصله شش ماه در جامعه تونس

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!